



دادگاه خانواده

طلاق به خاطر گم شدن طلاهای خواهر شوهر

گروه حوادث: زن جوان وقتی با اتهام سرقت طلاهای خواهرشوهرش از سوی همسر و خانواده‌اش روبه‌رو شد پس از اثبات بی‌گناهی خود به دادگاه خانواده رفت و درخواست طلاق کرد.

چند روز قبل زنی جوان به نام نیلوفر با حضور در یکی از شعبه‌های دادگاه خانواده در حالی که خواهان طلاق و جدایی از همسرش بود در تشریح ماجرای زندگی خود به قاضی گفت: «حدود ۵ سال قبل با امیر ازدواج کردم. آشنایی و ازدواج ما سنتی نبود من در یک فروشگاه پوشاک کار می‌کردم و یک روز که امیر و خواهرش سارا برای خرید آمده بودند با هم آشنا شدیم. او به من پیشنهاد دوستی داد و من هم که از قیافه و رفتارش خوشم آمده بود به پیشنهادش جواب مثبت دادم. این آشنایی کم کم به علاقه‌ای عمیق تبدیل شد و بالاخره امیر با خانواده‌اش به خواستگاری آمد.»

زن جوان که انگار افسوس آن روزها را می‌خورد در حالی که غمی عمیق در چهره‌اش نمایان بود، ادامه داد: «من از یک خانواده متوسط و شاید تا حدودی فقیر بودم از وقتی خودم را شناختم با مشکلات مالی روبه‌رو بودیم اما پدر و مادرم از همان کودکی به من و خواهرم یاد داده بودند که بزرگ‌ترین ثروت یک انسان مناعت طبع، ادب و تربیت اوست. وقتی دیلم گرفتیم و در دانشگاه قبول شدیم یک کار نیمه وقت پیدا کردم تا بتوانم خرج و مخارج زندگی‌ام را تا حدودی تأمین کنم و سرپای خانواده نباشم. مدتی بعد هم در یک فروشگاه لباس در یکی از خیابان‌های شمال شهر مشغول به کار شدم و کمی اوضاع مالی‌ام بهتر شد. « در حالی که نیلوفر سرگرم بازگو کردن ماجرای زندگی‌اش بود صدای در اتاق شنیده و لحظه‌ای بعد در باز شد و امیر با کسب اجازه از قاضی وارد اتاق شد. می‌خواست صحبت کند که قاضی اراز خواست بنشیند تا حرف‌های نیلوفر تمام شود.

زن جوان که انگار با دیدن همسرش کمی متقلب شده بود بعد از دقایقی سکوت به صحبت ادامه داد و گفت: «وقتی با این‌ا اقاً ازدواج کردم به من گفت چون مادرش پیراست و تنها خواهرش هم در شهرستان دانشجویست و از آنجا که نمی‌خواهد مادرش را تنها بگذارد بهتر است تا پایان یافتن درس خواهرش و برگشت او به خانه، ما در خانه بپزی او زندگی کنیم و بعد از آن با اجازه یک خانه زندگی

مستقلی داشته باشیم، من هم قبول کردم این دو سال را در خانه آنها زندگی کنم. راستش را بخواهید چون چندان توانایی مالی خرید جهیزیه مفصل هم نداشتم، فکر کردم در این دو سال می‌توانم کم کم جهیزیه‌ام را هم کامل کنم.»

اتهام سرقت

نیلوفر ادامه داد: «چند ماهی زندگی خوبی داشتیم البته گاهی مادرش در زندگی مداخلت می‌کرد اما من صبوری می‌کردم و اعتراضی نداشتم تا اینکه عبد همان سال سارا برای تعطیلات به خانه برگشت. چند روز اول اوضاع بد نبود اما کم کم احساس کردم بیش از حد به خودش اجازه می‌دهد در زندگی ما دخالت کند و با اظهارنظرهای نا بجا اعصاب مرا به هم می‌ریخت. گاهی غری می‌زد که ما اتاقش را تصاحب کرده‌ایم و او مجبور است در اتاقی که شبیه انباری است، زندگی کند. یک بار به او گفتم من حاضرم اتاق بزرگ‌تر را به او بدهم و من و امیر به اتاق کوچک‌تر خانه برویم اما وقتی امیر متوجه شد اعتراض کرد و به او گفت: «تو که چند روز بیشتر اینجا نیستی و می‌روی پس آتقدر اعصاب ما را به هم



نریز» سارا از شنیدن این حرف خیلی ناراحت شد و از همان روز رفتارش با من تغییر کرد. البته واقعیت این است که من هم گاهی با او سرشاخ می‌شدم و جواب متلک‌ها و بی‌حرمتی‌هایش را می‌دادم و در این میان امیر هم گاهی طرف من و گاهی طرف خواهرش را می‌گرفت و این موضوع حساسیت هر دو ما را بیشتر کرده بود تا اینکه چند روز بعد سارا وسایلش را جمع کرد تا زودتر به خوابگاهش در شهرستان برگردد اما روزی که در حال جمع کردن وسایلش بود یک دفعه فریاد زد: «امان دستبند گوشواره‌های طلایم نیست.» مادرشوهرم با شنیدن این حرف با عجله به اتاق رفت و با هم شروع به گشتن کردند اما سارا مدام داد و بیداد می‌کرد و می‌گفت طلاهایم را درزیده‌اند.»

نیلوفر که با یادآوری این ماجرا اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت: «هیچ وقت آن روز را یادم نمی‌روم من با شنیدن ماجرا برای کمک در جست‌وجوی طلاها به اتاق او رفتم اما سارا با بی‌ادبی مرا بیرون کرد و با تهمت‌ی ناروا مرا به سرقت طلاهایش برای تلافی و انتقام متهم کرد. با شنیدن این حرف‌ها بی‌اختیار دستانم شروع

به لرزیدن کرد و با عصبانیت به اتاقم رفتم و تمام وسایل شخصی و هر چه در کمدها بود، بیرون ریختم و گفتم بیا باید بگردیدم من درز نیستم. جناب قاضی موضوعی که حال مرا بدتر کرد و باعث شد تصمیم به جدایی بگیرم این بود که مادرشوهر و از همه مهم‌تر همسر هم به من شک کردند. وقتی این رفتار را دیدم، خودم به کلانتری زنگ زدم و خواستم مأسور بیاید.»

اثبات بی‌گناهی

وقتی مأموران به خانه آمدند من موضوع را تعریف کردم و گفتم به من تهمت درزی زده‌اند همان روز پرونده تشکیل شد و من تا چند هفته درگیر دادسرا و کلانتری بودم اما هیچ مدرکی علیه من به دست نیامد و بالاخره معلوم شد اصلاً سرقتی رخ نداده بلکه سارا طلاهایش را در جیب لباسی که برای شرکت در یک جشن تولد از دوستش قرض گرفته بود جا گذاشته و بعد از چند روز هم دوستش موقع شستن لباس‌هایش آن را پیدا کرده بود و به سارا برگرداند.

دادخواست طلاق

نیلوفر ادامه داد: «جناب قاضی من آدم صبوری هستم اما ادامه این زندگی با خانواده‌ای که به من تهمت ناروا زدند غیرممکن است و به همین خاطر درخواست طلاق دادم.»

امیر که تا آن لحظه خودخوری می‌کرد وقتی اجازه صحبت پیدا کرد، گفت: «من به همسرم حق می‌دهم ما خیلی اشتباه کردیم اما اختلاف میان همسرم و خواهرم نباید موجب فروپاشی زندگی مشترک شود. من از همسرم معذرت می‌خواهم و به او قول دادم اشتباهاتم را جبران کنم حتی یک خانه مستقل گرفته‌ام و گفتم تا هروقت که بخواهد با خانواده‌ام روبه‌رو نشود اگر نیلوفر مرا ببخشد تمام تلاشم را برای خوشبخت کردنش و اینکه خاطره تلخ این روزها از ذهنش پاک شود، انجام می‌دهم.» اما نیلوفر که همچنان عصبی و ناراحت بود اعتمادش به همسرش از بین رفته و نمی‌تواند مانند گذشته به زندگی مشترک ادامه دهد. قاضی نیز آنها را به یک مشاور خانواده ارجاع داد تا در صورتی که مشکلات‌شان حل نشد، حکم طلاق را صادر کند.

نکته

مجازات تهمت و افترا در قانون

جرم تهمت و افترا، به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی، با هدف تخریب حیثیت دیگران شکل می‌گیرد و تأثیرات منفی عمیقی بر روابط فردی و اجتماعی می‌گذارد. آبرو و اعتبار افراد از ارزشمندترین سرمایه‌های اجتماعی به شمار می‌رود. اگر امری دروغ را به فرد دیگری نسبت دهیم و به او تهمت بزنیم یا جرم مشخصی را به فردی منتسب کنیم که اثبات نشده و فرد نسبت‌دهنده نیز از دروغین بودن آن آگاه باشد و موجب خدشه به اعتبار و حیثیت فرد شود، این امر مجازات دارد. براساس ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی، «هر کس عالماً، عامداً و به قصد متهم کردن دیگری، آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌شود، بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به او است، بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد کند و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب شود، پس از صدور قرار منع تعقیب یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از ۶ ماه تا سه سال یا ۲۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.»

همچنین براساس ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در جماعه یا به هر وسیله دیگر، به کسی، امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر کند که مطابق قانون، آن امر، جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت کند، جز در مواردی که موجب حد است، به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد و به حبس از یک ماه تا یک سال یا جزای نقدی از ۵ هزار تا یک میلیون ریال محکوم می‌شود.»

تهمت و افترا در فضای مجازی

یکی از جرایم سایبری، تهمت و افترا در فضای مجازی است که با گسترش فضای مجازی و تعامل بیشتر مردم در این فضا افزایش یافته است.

برخلاف تصور عموم تمامی رفتار و اعمالی که موجب آسیب دیدن فرد با افراد در فضای مجازی شود جرم محسوب می‌شود. در دنیای واقعی به هر گونه عمل که موجب خدشه به حیثیت و آبروی یک فرد شود تهمت یا افترا گویند. حال اگر این عمل در فضای مجازی صورت گیرد تهمت در فضای مجازی تلقی می‌شود.

مجازات تهمت و افترا در فضای مجازی در قانون مشخص شده است و قانونگذاران جمهوری اسلامی ایران برای محافظت از حیثیت و آبروی افراد و همچنین جلوگیری از درگیری‌های بزرگ‌تر و ورود اختلافات فضای مجازی به دنیای واقعی برای فرد متخلف مجازات در نظر گرفته‌اند. افترا در فضای مجازی به معنای انتشار اظهارات دروغ و کذب در مورد شخص دیگری در بستر اینترنت است، با هدف خدشه‌دار کردن اعتبار و آبروی او. این اظهارات می‌توانند به صورت کتبی، صوتی یا تصویری منتشر شوند. همچنین در قالب‌های مختلفی مانند پست‌های شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های خصوصی، ایمیل یا نظرات در وب‌سایت‌ها و انجمن‌های آنلاین، رواج پیدا کنند. بنابراین قبل از انتشار هرگونه مطلبی در فضای مجازی، از صحت و درستی آن اطمینان حاصل کنید. حریم خصوصی افراد احترام بگذارید و از انتشار اطلاعات شخصی آنها بدون رضایتشان خودداری کنید. در صورت مشاهده محتوای تهمت‌آمیز در فضای مجازی، آن را به مراجع ذی‌صلاح گزارش دهید. چرا که مجازات حبس و جریمه نقدی در انتظار متخلفان خواهد بود.

جدول روزنامه‌ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح یک جدول با دو شرح ● ابتدایی از شرح‌ها را با تعداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

۱	ب	ر	گ	ب	و	ج	ز	ی	ر	ه	م	ن	و	۱۵
۲	ا	ن	د	ا	م	د	ا	د	ی	ک	ن	ی	ا	۱۴
۳	ر	ج	ا	ل	ب	ا	ر	ک	و	ا	گ	ی	ر	۱۳
۴	و	ر	ی	ل	ی	ی	ک	و	ر	ه	۱۲	۱۱	۱۰	۹
۵	ا	ر	ب	ر	ا	ی	ک	و	ش	ه	۸	۷	۶	۵
۶	ه	ا	ر	د	ل	د	و	ر	و	خ	ل	د	۴	۳
۷	ب	د	و	ه	م	ر	ا	س	ی	و	۲	۱	۱۵	۱۴
۸	ت	ه	د	و	ی	ب	ا	ر	ش	ا	ی	ا	۱۳	۱۲
۹	ا	ر	ا	ل	ی	ک	ر	و	ش	ه	ش	ت	۱۱	۱۰
۱۰	ج	ا	ر	س	د	و	ر	ج	ا	ن	ی	ه	۹	۸
۱۱	خ	م	د	و	ا	ت	س	ر	ب	ا	م	ا	۷	۶
۱۲	ر	ا	ز	ر	م	ی	و	ه	م	ر	ا	ی	۵	۴
۱۳	و	ر	و	د	ی	د	و	د	ل	م	ا	ل	ک	۳
۱۴	س	ی	ن	ی	ا	ر	ا	ج	ی	ف	س	و	پ	۲
۱۵	ی	ا	س	ی	ن	ب	و	ن	و	م	ن	ت	ف	۱

حل جدول ویژه شماره ۹۱۲۸

حل جدول عادی شماره ۹۱۳۸

۱	ش	ا	ی	ع	ه	س	ا	ز	ب	ا	ر	ا	ن	۱۵
۲	ب	م	ب	م	د	ر	د	ی	س	ا	ر	ا	۱۴	
۳	ظ	ر	ا	ج	د	ر	ا	م	ج	ن	س	و	خ	۱۳
۴	و	ر	ا	ب	و	ن	ا	ب	ج	ر	ا	م	و	۱۲
۵	و	ر	ا	ه	ر	م	ف	ا	س	د	ب	ا	۱۱	
۶	ت	ا	س	ر	ا	ک	ی	و	ی	د	ا	س	۱۰	
۷	ک	ر	پ	م	ا	ز	ی	ا	م	ل	ت	۹	۸	
۸	م	ر	ا	ر	ت	د	س	ی	ل	ی	د	ه	۷	
۹	ر	ا	ی	ت	ز	و	ن	ک	ن	س	م	ن	۵	
۱۰	ا	ن	ه	ب	ر	ا	ی	ک	ی	ش	ت	ی	ج	۴
۱۱	م	ن	س	ن	گ	ر	ب	ا	ب	ا	س	ی	۳	۲
۱۲	ن	م	ن	ی	ر	ف	ن	ا	د	ا	م	س	۱	۱۵
۱۳	ا	ک	ت	و	ر	م	ر	ف	ه	ی	ت	۱۳	۱۲	۱۱
۱۴	م	ت	ک	ا	س	ر	ا	ش	ب	ز	ا	ر	ا	۱۰
۱۵	ه	ی	ت	م	د	ی	ر	ه	ا	س	م	ا	ن	۹

حل جدول عادی شماره ۹۱۲۸

جدول عادی

عمودی

- برادر عامیانه - یکی از دانشگاه‌های برتر ایران در رشته‌های فنی
- تا آخر- نام کوچک «پاستور» - بی حرکت
- شرکت هواپیمایی ایرانی - ماه میان مهر و آذر - جورها، روش‌ها
- مقابل، قبال - تابناک و منور - خیس - عمل منافق
- سرخ مایل به قهوه‌ای - مسافری از سرزمین عجایب - شخص نامعین
- چاشنی گوجه‌ای - میوه نارس - نامی در شاهنامه
- نشانه فعلی جمع - واسطه صلح و دوستی - آبگوشت روسی
- مطلبی را با آب و تاب خواندن - پرچم - نام «رضاییان» بازیکن تیم ملی
- مرحله تکامل رشد - از اعداد زوج دو رقمی - گرداگرد لب
- کشوری در آفریقا - نوعی پارچه - سخن بیهوده
- برهنه - مقدار طعامی که به یک‌بار در دهان گذارند - رشته‌های گیاهی
- همراه «گداز» می‌آید - ساز سوز - زیرا - حکم دادگاه
- برابری - بازگشت - هرگز
- لولای دست! - شرم و حیا - چرخ
- گیاهی از حبوبات با مصرف آشپزی - انگشت شهادت

جدول ویژه

عمودی

- شلوار خانگی - گروه کانگوروها
- ترس - قشر - تازه شکل گرفته
- توان - بار درخت - برابری
- داخل شو! - میوه زرد استوایی - افشاگری - کمی
- نامبرده - شطرنج ژاپنی - حرف پیروزی
- سفید ترکی - ضمیر مفعولی - روستایی سرسبز حومه شهرستان کردکوی
- رنج و محنت - نامی برای خانم‌ها - بازیگر کرای
- بیماری واگیر - نام دیگر پیمان - جزیره «ایتالیا»
- از فیلسوفان عصر روشنگری - رنگی برای خودرو - خاندان
- بیگانه و غریبه - کم کردن - تصدیق فرنگی
- دو بار هم‌قد! - موضع - عظمت و شکوه
- قرن - طلیعه اعداد - صدر - باقوت سرخ
- زیردست - فریبکار و نیرنگ‌باز - دربايست
- سوم شخص جمع - قوای درک اشیا - جوانمرگ
- کارگردان فیلم «ب مثل بهشت» - ابزار بغل گرفتن نوزاد

افقی

- نگران و پریشان خیال - مدرسه متوسطه
- مقابل «فرجام و انتها» - دوره چرخشی اجسام - میوه‌ای شبیه پرتقال
- شهر پرتقال در استان فارس - صفت گربه - خمیدگی میان لوله
- اصطلاح زراعی - حرف پوست‌کنده - قوم چنگیزخان - ذوق و شوق
- پراکندگی - پایتخت «بحرین» - چاه‌کن
- مرداب شمالی - کتلت - واحد مساحت
- پوشش سخت بیرونی کره چشم - گلی نماد بهار - لایه جوی
- کاست صوتی - متعلق به زمان حاضر - صفت سبب‌زمینی!
- اصل و مشابه - کوتاه‌گویی - خط باستانی
- خط کش رسم - دیدار و ملاقات - گنجه
- تج - آرزوی زندانی - مزه اول خرمالو
- قرار و پیمان - همسر ابراهیم‌نبی - نت منفی - جنگ و جدال
- قالی‌های بافت این شهر استان کرمان شهرت جهانی دارند
- پایین لباس - نمازی که به‌تنهایی خوانده شود
- دانه به دانه - کاکل - شورش و ازدحام
- سازمان ورزشی - کامپیوتر

افقی

- سرودشت - نویسنده آلمانی
- روشن - کم - یکی از مهم‌ترین شهرهای «ترکیه»
- چهارمین سیاره منظومه شمسی - عرض کردن - شانه‌به‌سر
- جیحون - ملامت - هر چیز سبک و مختصر - شبیه
- مقابل «آری» - هتل سیرجان - معلوم
- شیوه - برانگیزنده - جوانمرد
- شهر استان آذربایجان شرقی - اعتراض کننده - امر به شستن
- سخن بیهوده - صنعتی در شعر - راندن چهارپایان
- مخفف سیاه - شجاع و دلیر - زیرکی
- صدای تمسخر- مفصل - پیوسته و پشت سر هم
- کشور «لومه» - از انقباضات ناخودآگاه و مکرر عضله دیافراگم به وجود می‌آید - بوی ماندگی
- مردم - از رنگ‌ها - چاشنی غذاها - مکان سرسبز
- پیشگاه ساختمان - سران - نواده چنگیز
- الهه نور - کبود - خوشگذران
- اولین پرستار جهانی - فراورده‌ای گوشتی